

فصلنامه علمی - پژوهشی تاریخ‌نامه ایران بعد از اسلام، سال دهم، شماره بیست و یکم، زمستان ۹۸، صفحات ۱-۳۲

تاریخ دریافت: ۹۷/۰۶/۱۴

تاریخ پذیرش نهایی: ۹۸/۰۴/۰۴

بررسی اسنادی وضعیت اموال دولتی (بیوتات سلطنتی) در دوره احمدشاه قاجار (مطالعه موردی: کاخ گلستان)

سید مسعود سید بنکدار^۱

وحید امامی جمعه^۲

چکیده

عنوان اموال دولتی اصطلاح تازه‌ای بود که پس از پایان استبداد صغیر و به منظور نظارت دقیق به تمامی اموال دولت ایران اعم از دستگاه سلطنت و دولت آن اطلاق شد. به عبارت دیگر، این اصطلاح برخلاف گذشته، اموال اختصاصی پادشاه را نیز در بر می‌گرفت. پیش از این، اصطلاح متداول برای این اموال واژه بیوتات سلطنتی بود. پس از این تغییرات، در مکاتبات رسمی از عنوان اموال دولتی استفاده می‌شد؛ اما عنوان ریشه‌دار بیوتات سلطنتی همچنان متداول بود. بیوتات مجموعه‌ای از واحدهای خدماتی دربار و مسئول رسیدگی به امور شخصی شاه بود که از دوره‌های پیش از سلسله قاجاریه نیز در دربار حکومت‌ها فعالیت می‌کردند و هر بخش از بیوتات متناسب با وظایف خود، اموالی در اختیار داشتند. دربار و بیوتات دوره قاجاریه که مسئول نگهداری اموال ارزشمند دربار بود، در کاخ گلستان قرار داشت و تشکیلات گذشته با تغییراتی نوین متناسب با نیازهای دوره قاجار شکل گرفتند. انتظام شکل‌گرفته در بیوتات از دوره مظفری به بعد نابسامان شد. در دوره احمدشاه نیز وضعیت اموال دولتی و نفیس کاخ گلستان و بیوتات نامناسب بود و

sm.sbonakdar@ltr.ui.ac.ir
vahid.em.j@gmail.com

۱. استادیار دانشگاه اصفهان، اصفهان - ایران (نویسنده مسئول)

۲. کارشناسی ارشد رشته تاریخ ایران دوره اسلامی دانشگاه اصفهان، اصفهان - ایران

صاحب‌جمعان مسئولیت خود را به‌درستی انجام نمی‌دادند و گاه خود جزو سارقین اموال دولتی بودند. پژوهش حاضر بر آن است تا با استفاده از اسناد تاریخی، وضعیت این اموال را در دوره احمدشاه بررسی کند و مشخص نماید اقدامات صورت‌گرفته توسط اهرم‌های نظارتی برای حفظ این اموال تا چه میزان موفقیت‌آمیز بوده است. روش تحقیق در پژوهش حاضر، کتابخانه‌ای و تطبیق و تحلیل منابع، به‌ویژه منابع اسنادی بوده است. در این تحقیق تاریخی، پس از جمع‌آوری اطلاعات لازم، به سازمان‌دهی اطلاعات و تجزیه و تحلیل آنها پرداخته شده است.

واژگان کلیدی: اموال دولتی، بیوتات سلطنتی، کاخ گلستان، احمدشاه، محاسبات بیوتات.



***Studying the Status of State Properties
(Royal Households) according to Documents during
Ahmad Shah Qajar Period (Case Study: Golestan Palace)***

S. M. Bonakdar ^۱

V. Emami Jomeeh ^۲

Abstract

The title of state properties was a new term that, after the end of Mohammad Ali Shah's despotism, was used to accurately monitor all the properties of Iranian government, including the monarchy and its government. In other words, the term, unlike in the past, included the royal properties. Previously, the common term for this properties was the word Boyutat (Royal Households). After these changes, the title of State Properties was used in the official correspondences, but the rooted title, Boyutat, was still common. Boyutat was a set of service units in the courts that had responsibility of doing of Shah personal tasks and also functioned at the courts of pre-Qajar dynasties. Each section of Boyutat had properties in proportion to their duties. The court and Boyutat of Qajar period, which was responsible for keeping the valuable properties of court, was located at the Golestan palace, and the past structures was changed by a modern evolution in proportion to the needs of Qajar period. The formed discipline in Boyutat was disrupted from Mozaffar-e-Din Shah's period. During Ahmad Shah period, the status of state properties of Golestan palace and Boyutat was inappropriate and the chamberlains didn't carry out their responsibility properly and sometimes they themselves were robbers of state properties. This paper attempts to study the status of state properties, which was in unsuitable situation during Ahmad Shah period, and reveals how much the attempts of supervisory arms were successful for protecting the royal and state properties. The study has employed field and library research, comparison and analysis of existing sources, especially documentary sources. In this historical study, after collecting the necessary data, they are organized, analyzed and finally conclusions are drawn.

Keywords: State Properties, Royal Households (Boyutat), Golestan Palace, Ahmad Shah, Households Accountancy.

^۱ . Assistant Professor University of Isfahan, Isfahan-Iran

^۲ . M.Sc. in Islamic History of Isfahan University, Isfahan-Iran

sm.sbonakdar@ltr.ui.ac.ir

vahid.em.j@gmail.com

مقدمه

بیوتات سلطنتی «مجموعه‌ای از سازمان‌ها، کارخانه‌ها، کارگاه‌ها و واحدهای خدماتی بود که وظیفه آنها تهیه حوائج و ملزومات مورد نیاز دربار پادشاهان بود» (آل‌داوود و همکاران، ۱۳۶۷، ۱۳: ۴۶۹). این مفهوم در دوران سلطنت صفویه شکل گرفت؛ اما پیش از آن، بیوتات معنای محدودتری داشت (همان). کرس‌تین‌سن اشاره می‌کند که واژه اهل‌البیوتات در دوره ساسانی به دودمان‌هایی اطلاق می‌شد که از قدیم‌الایام ریاست دیوان‌ها را بر عهده داشتند (کرس‌تین‌سن، ۱۳۶۸: ۱۶۶). بیوتات در مفهوم دوایر خدماتی، اولین بار در دوران سلجوقیان به کار رفت. در ممالک دیگر مانند مصر و شام نیز بیوتات با لفظ «خزانه» معروف بود که مجموع آن خزائن (= بیوتات) نامیده می‌شد (آل‌داوود و همکاران، ۱۳۶۷، ۱۳: ۴۶۹). در دوره خوارزمشاهیان نیز همه امور خدماتی درگاه (دربار) بر عهده فراشان بود که «مقدم فراشان» مسئول ارشد و ناظر آنها بود. از جمله دیگر بخش‌های دربار خوارزمشاهی مطبخ، تشت‌خانه، شراب‌خانه و جامه‌خانه را می‌توان نام برد (خسروبیگی، ۱۳۸۸: ۱۳۶ و ۱۳۷). در دوره مغولان به جای کلمه بیوتات، تأسیسات سلطنتی را «کارخانه» می‌نامیدند که اطلاق این واژه تا دوره تیموریان نیز ادامه یافت (آل‌داوود و همکاران، ۱۳۶۷، ۱۳: ۴۶۹). در دوره صفویه، باتوجه به آرامش و ثبات نسبی در این دوره، بیوتات سلطنتی گسترش یافت که همچنان مسئولیت رسیدگی به امور شخصی شاه و دربار را به‌طور گسترده‌تر بر عهده داشت و حدوداً شامل ۳۳ اداره می‌شد: هیزم‌خانه و مشعل‌خانه، مطبخ، میوه‌خانه، شربت‌خانه، قهوه‌خانه، عطارخانه، سلاخ‌خانه (قصاب‌خانه)، ستورخانه، شالباف‌خانه و... از ادارات و بخش‌های بیوتات سلطنتی بود که هر بخش دارای یک صاحب‌جمع بود. هر صاحب‌جمع مسئولیت اداره بخش زیر نظر خود را داشت و یک ناظر نیز بر تمام این امور نظارت می‌کرد (نک به: کمپفر، ۱۳۵۰: ۹۷-۱۰۸ و ۱۴۵-۱۵۴). در دوران افشاریه و نادرشاه، بیوتات سلطنتی تقریباً نقشی را که در دوران صفویه ایفا می‌کرد، از دست داد. علت آن سیاست نظامی و حضورنداشتن نادر در دربار بود؛ با این حال بیوتات سلطنتی از دربار به محل استقرار نادر در لشکرکشی‌ها و پایگاه‌هایش منتقل شد و صاحب‌جمعان، برخی وظایف را عهده‌دار بودند (نک به: شعبانی، ۱۳۸۹، ۲: ۶۳۶-۶۴۲).

در دوره قاجار، پس از استقرار و تسلط کامل قاجاریه، وضعیت دربار و بیوتات تغییر کرد و تا حدود زیادی گسترش یافت. برخی عناوین و ادارات جدید نظیر کالسکه‌خانه و عکاسخانه در طول این دوره افزوده شد؛ البته این تذکر لازم است که نام برخی ادارات در طول تاریخ به تدریج تغییر کرد؛ اما تقریباً همان وظایف را ایفا می‌کردند (نک به: مستوفی، ۱۳۸۶، ۱: ۵۵۲-۶۱۲).

افرادی در بخش‌ها و ادارات دربار، دارای برخی مسئولیت‌ها و وظایف متعدد و مختلفی بودند و می‌بایست به آن عمل می‌کردند؛ از جمله اداره، حفظ و نگهداری و کنترل اموال دربار و شاه و رسیدگی به امور شخصی شاه. این بخش‌ها و ادارات دربار را اصطلاحاً بیوتات یا بیوتات سلطنتی می‌نامند. عبدالله مستوفی بیوتات را این‌گونه تعریف می‌کند:

«بیوتات، جمع اندر جمع بیت، [...] در اصطلاح درباری قدیم، ادارات امور شخصی شاه را که اکثراً مثل آبدارخانه و قهوه‌خانه و کشیک‌خانه و امثال آن به خانه ختم می‌شود، بیوتات سلطنتی می‌گفتند. [...] کار بعضی از این بیوتات مثل ضرابخانه و خزانه، بالمره دولتی و کار پاره‌ای دیگر مانند صندوقخانه و فرآشخانه نیمه دولتی و نیمه شخصی بود، [...] با این حال این ادارات هم جزء بیوتات به شمار می‌آمدند» (مستوفی، ۱۳۸۶، ۱: ۵۵۲ و ۵۵۳). به طور کلی بیوتات سلطنتی در این دوره دارای ادارات مختلفی بود: سرایدارخانه، زین‌خانه، اسلحه‌خانه، قهوه‌خانه، خیام‌خانه، کتابخانه، آبدارخانه و... این ادارات تا زمان ناصرالدین‌شاه تقریباً از آشفتگی، دور و دارای نظم نسبی بود؛ اما اوضاع آن در دوران مظفرالدین‌شاه و مشروطه و پس از آن در دوران محمدعلی‌شاه و احمدشاه رو به وخامت گذاشت. همسو با آشفتگی‌های سیاسی در این دوران، اوضاع دربار و بیوتات آن نیز آشفتگی شد؛ به گونه‌ای که مسئولان بیوتات و صاحب‌جمعان اموال نظیر سرایدارباشی یا فرآشباشی از حفظ و نگهداری دقیق آثار غفلت می‌ورزیدند و گاه خود آنها متهم به دست‌اندازی در اموال دولتی می‌شدند. پیروزی انقلاب مشروطه باعث شد ساختارهای اداری و دولتی نیز دستخوش تغییرات شود. در همین راستا شیوه سنتی معمول برای حفظ و نگهداری اموال سلطنتی نیز دگرگون شد و پس از پیروزی مشروطه، ساختارهای جدید نظارتی برای حفظ و نگهداری هرچه بیشتر اموال دولتی ایجاد شد. از آنجا که اقدامات نظارتی برای حفظ این اموال جزو نخستین

تجربه‌های نظام جدید اداری پس از مشروطه برای حفظ اموال دولتی محسوب می‌شود، پژوهش حاضر بر آن است تا با استفاده از اسناد موجود بررسی نماید که وضعیت اموال بیوتات سلطنتی در چه وضعیتی بوده و اقداماتی که از سوی نهادهای نظارتی برای حفظ این اموال اعمال شد تا چه میزان موفقیت‌آمیز بوده است.

تاکنون اثر مستقلی که به‌طور جامع و کامل به بررسی سایر بخش‌های بیوتات پرداخته باشد، انجام نپذیرفته است. تنها پژوهش‌های معدودی درباره یکی از بخش‌های بیوتات (کتابخانه سلطنتی) انجام شده است: مقاله «ماجرای دزدی از کتابخانه سلطنتی کاخ گلستان» نوشته ناصر نصیری‌مقدم و فرزانه شادانپور که ماجرای سرقت از کتابخانه توسط لسان‌الدوله و آرشاک، در آن بیان شده است. مقاله دیگری با نام «خروج نسخه‌های خطی و اشیای عتیقه در عهد قاجار» نوشته فریدون تفرشی که در آن نیز بیشتر به مسئله سرقت از کتابخانه پرداخته شده است.

دقت و توجه کردن فتحعلی‌شاه و ناصرالدین‌شاه به اموال دربار و بیوتات

هم‌زمان با استقرار پادشاهان قاجار در تهران و میل آنها به ایجاد درباری باشکوه، آثار هنری نفیس و ارزشمندی توسط پادشاهان قاجاریه نظیر آقامحمدخان و فتحعلی‌شاه قاجار، در دربار جمع‌آوری شد. این آثار با گذشت زمان افزون‌تر شد و با توجه به حساسیتی که پادشاهان قاجاریه نسبت به حفظ این اموال داشتند، در تشکیلات منظم بیوتات، با دقت بسیار از این اموال حفاظت می‌شد.

ناصرالدین‌شاه نیز نسبت به حفظ اموال سلطنتی بسیار حساس بود. از آنجا که در دوره پیش از وی اموال، ثبت و صورت کاملی نداشتند یا از بین رفته بودند، ناصرالدین‌شاه در پانزده سال نخست سلطنت خود، میرزا یوسف مستوفی‌الممالک را برای ثبت و تنظیم اموال منصوب کرد. میرزا هدایت‌الله مستوفی نیز به سمت وزارت دفتر یا همان وزارت مالیه منصوب شد و میرزا سیدعلی‌اکبر نیز در سمت مستوفی بیوتات، مأمور صورت‌برداری و سازمان‌دهی همه اموال شد و تمامی اموال سلطنتی را با عناوین متفاوت از یکدیگر جدا کرد: خزانه جواهر، صندوق‌خانه، رخت‌دارخانه، آبدارخانه، قهوه‌خانه، اسلحه‌خانه و... هر بخش نیز دارای یک صاحب‌جمع بود که در ازای تحویل اموال، از آنها قبض دریافت می‌شد (بیانی،

۱۳۴۸: ۱۱۱)؛ چنان که اکنون لیست‌های دقیقی از صورت و سیاهه اموال از دوره ناصری موجود است.

آغاز کم توجهی به حفظ اموال بیوتات در دوره مظفردین شاه

با وجود مشکلات مالی فزاینده‌ای که در دربار قاجار وجود داشت، تا زمان مظفردین شاه، گزارشی از فروش اموال سلطنتی برای رفع این مشکلات موجود نیست. دوره مظفری، آغازی از بین رفتن نظم اموال دربار بود. مظفردین شاه برای رفع مشکلات اقتصادی و تأمین هزینه‌های سفرش، هم از کشورهای خارجی قرض کرد و هم مبادرت به فروش و گروگذاری اموال سلطنتی کرد (ابتهاج، ۱۳۷۱، ۱: ۳۲-۳۴). برای نمونه با همکاری فرمانفرما تعدادی از صندلی‌های روکش طلا و قدح‌های طلای میناکاری شده در موزه ناصردین شاه را آب کردند و برای مصارف سپاه تبدیل به سکه کردند (دولت‌آبادی، ۱۳۷۱، ۱: ۱۷۳ و ۱۷۴؛ معیرالممالک، ۱۳۹۰: ۷۴؛ نظام‌السلطنه مافی، ۱۳۶۲، ۱: ۲۳۶).

وضعیت آشفته بیوتات هنگام خروج محمدعلی شاه از ایران

در دوره محمدعلی شاه، پس از تصویب قانون اساسی مشروطه، منابع مالی پادشاه محدود شد. بر این اساس، همه حقوق و مواجب دولت و دربار با نظارت نمایندگان مجلس شورای ملی پرداخت می‌شد. از این رو محمدعلی شاه که دستش از خزانه دولت کوتاه شده بود، به ناچار برای تهیه منابع مالی بیشتر، برای مبارزه با مشروطه‌خواهان، اموال سلطنتی را تصرف کرد؛ برای نمونه، وی مقدار قابل توجهی از جواهرات سلطنتی را برای تأمین هزینه‌ها به فروش رساند و بخشی را در بانک استقراضی و نزد برخی تجار پایتخت به گرو گذاشت. شاه تا آنجا پیش رفته بود که یکی از کارگزاران خود را به پاریس فرستاد تا وجهی استقراضی به اعتبار جواهرات سلطنتی دریافت کند. در مقابل، مشروطه‌خواهان نیز برای جلوگیری از اجرایی شدن این اقدام، با انتشار اخباری در روزنامه‌های پاریس تاکید کردند که جواهرات سلطنتی، اموال شخصی نیست و هر اقدامی در این باره باید در مجلس مطرح و رأی‌گیری شود (اعلم‌الدوله ثقفی، ۱۳۲۲: ۲۱). در هر صورت، این اقدامات شاه باعث افزون شدن نابسامانی وضعیت بیوتات و سوء استفاده برخی مسئولان دربار از اموال سلطنتی

شد. ناآرامی‌های سیاسی هنگام فتح پایتخت توسط مشروطه‌خواهان، پناهندگی محمدعلی‌شاه به سفارت روسیه و از هم گسیخته‌شدن انتظام دربار، زمینه دست‌اندازی هرچه بیشتر برخی از مسئولان درباری در اموال سلطنتی را فراهم کرد. از این رو بود که پس از استقرار مشروطه‌خواهان در امور مملکتی و تشکیل هیئت مدیره، کمیسیون‌های مخصوصی برای رسیدگی به وضعیت اموال دولتی و بازپس‌گیری آنها ایجاد شد (سفری، ۱۳۷۰: ۳۸۶ و ۳۸۷). هنگامی که وضعیت خزانه جواهرات سلطنتی که با اهمیت‌ترین گنجینه دربار به حساب می‌آمد، اینگونه آشفته بود، وضعیت سایر بخش‌های بیوتات روشن بود.

حیف و میل شدن اموال دولتی در دوره احمدشاه

در دوره احمدشاه، به علت آشفتگی اوضاع دربار و دولت، وضعیت بیوتات و اموال دولتی نیز بیش از گذشته دچار تشنگی و نابسامانی شد. وضعیت به‌گونه‌ای بود که با وجود باقی‌ماندن بسیاری از کارگزاران و صاحب‌جمعان درباری، موارد متعددی از سرقت و تباه‌شدن اموال دولتی گزارش شده است. این در حالی بود که تلاش‌ها و اقدامات کارکنان اداره محاسبات بیوتات سلطنتی و دولتی (زیرنظر اداره مالیه) برای انتظام‌بخشیدن به وضعیت نابسامان بیوتات و اموال دولتی، ناکام می‌ماند. انعکاس این تلاش‌ها در گزارش‌های مسئولان اداره محاسبات، به مقام‌های ارشد دولتی مشاهده می‌شود که در حالتی از ناامیدی، به دنبال یافتن راهی برای پایان دادن به وضعیت موجود بودند.

در راستای تلاش‌هایی که دولت مشروطه برای انتظام‌بخشیدن به وضعیت نابسامان دولت گذشته آغاز کرده بود، اداره محاسبات بیوتات دولتی در سال ۱۳۲۷ ق/۱۹۰۹ م، به‌عنوان زیرمجموعه وزارت مالیه توسط مرآت‌الممالک ایجاد شد (اسناد روحانیت و مجلس، ۱۳۷۵، ۲: ۱۴۳ و ۱۴۴). بر اساس قانون، مقرر شده بود اداره محاسبات بیوتات نظارت کاملی بر حفظ اموال دولتی داشته باشد. پس از پیروزی مشروطه‌خواهان و پایان استبداد صغیر، اموالی که در گذشته از آنها تحت‌عنوان اموال سلطنتی نام برده می‌شد، به اموال دولتی تغییر نام داد. این تغییر نام، نشان از آن داشت که اموال مزبور، متعلق به ملت است و با نظارت نمایندگان ملت، مورد استفاده مقام سلطنت قرار می‌گیرد. به عبارت دیگر، با توجه به نبود قانون و سیستم اداری مشخص برای نظارت بر اموال دولتی در گذشته، اداره محاسبات



بیوتات زیرنظر وزارت مالیه ایجاد شد تا مجلس بتواند از اهرم نظارتی خود بر وزرای دولتی استفاده کند و به رفع دغدغه مردم نسبت به حفظ این اموال اقدام نماید.

در خصوص اموال دولتی، عملکرد اداره محاسبات بیوتات با وزارت دربار به هم گره خورده بود و هرکدام وظایفی را برای حفظ این اموال بر عهده داشتند. مطابق قانون، همه دارایی‌های منقول دولتی مثل دارایی‌های غیر منقول و خالصجات، جزو دارایی دولت و تحت نظر وزارت مالیه محسوب می‌شد و بنابراین مجلس از طرف ملت بر این اموال و دارایی‌ها نیز نظارت می‌کرد؛ اما از آنجا که به رسم و عادت گذشته، تمام دارایی‌های منقول دولتی و بخش‌های آن نظیر خزانه اندرون و جواهرات سلطنتی، موزه، کتابخانه، اسلحه‌خانه، خیام‌خانه، زین‌خانه، آبدارخانه، قهوه‌خانه، عکاسخانه، کارخانه الکتریسیته، مطبعه و اثاثیه همه عمارات و قصور داخل و خارج شهر، در اختیار کارگزاران دربار قرار داشت و تا آن زمان جزو دارایی‌های شخصی شاه به شمار می‌رفت، تصمیم گرفته شد به این علت که قسمتی از این اموال و آثار گرانبها بخشی از ملزومات تشریفات سلطنتی بود، همچنان زیرنظر صاحب جمع و تحویلدار کل، وزارت دربار، باشد؛ مشروط بر آنکه اداره محاسبات بیوتات با تکیه بر وزارت مالیه و مجلس شورای ملی بر این اموال نظارت تام داشته باشد (همان: ۱۴۳ و ۱۴۴).

بر همین مبنا و باتوجه به «ظهور انواع فضایی که مباشرین و صاحب‌جمعان سابق درباری نسبت به اثاثیه و مایملک منقوله دولتی بارآورده و سرقت‌هایی که کرده بودند» (همان: ۱۴۴)، اداره محاسبات بیوتات از همه اموال بیوتات سلطنتی به منظور نظم و نسق بخشیدن به وضعیت نابسامان آنها بازدید کرد. در پی اقدامات و تلاش‌های صورت گرفته، تعدادی از سارقین شناسایی و اموال مسروقه مسترد شد (همان: ۱۴۳ و ۱۴۴). اداره محاسبات بیوتات سعی کرد که بیشتر اموال بیوتات و بخش‌های دربار را بررسی و صورت‌برداری کند و مطابق صورت‌های نوشته شده، تحویل امانت و صاحب‌جمعان درباری دهد. پس از آن، مسئولیت حفظ این اموال بر عهده امانی دربار بود و مسئولان محاسبات بیوتات نیز بر نحوه عملکرد امانی دربار در رابطه با حفظ این اموال نظارت نموده و در صورت لزوم اقدام به تحقیق و بازرسی می‌کردند (همان: ۱۵۰).

در ادامه بررسی‌ها و پس از مطابقت صورت‌های جدید با صورت‌های قدیمی موجود

دربار، مشخص شد که بخشی از آثار و اموال در جریان ناآرامی‌ها به سرقت رفته است؛ از این رو در سال ۱۳۲۷ق/۱۹۰۹م، کارگروهی با عنوان «هیئت انکشاف اشیاء مسروقه سلطنتی» تحت نظارت وزارت مالیه و اداره محاسبات بیوتات شروع به کار کرد. بر همین اساس، این هیئت برای رسیدگی دقیق‌تر به اموال مسروقه، از اداره گمرک، صورت اشیای خریداری‌شده در مسافرت‌های فرنگ مظفرالدین‌شاه و ثبت بارها و کرایه آنها را خواستار شد (رسولی، ۱۳۹۴: ۳۴۵)؛ برای نمونه، در پی این تحقیقات، تابلوی نفیس رنگ و روغنی که بنا به گفته کمال‌الملک، در جریان مسافرت ناصرالدین‌شاه به فرنگ توسط ویلهلم اول، پادشاه آلمان، به شاه اهدا شده بود، در هنگام فروش توسط سارقین، در بازار به دست آمد. این تابلو را که یکی از استادان بزرگ آلمانی کشیده بود و مطابق قیمت‌گذاری کمال‌الملک سه هزار تومان قیمت داشت، در اواخر سلطنت ناصرالدین‌شاه، توسط یکی از سرایداران متوفی از کاخ گلستان خارج شده، نزد وراثت وی باقی مانده بود. تابلو پس از کشف، مجدداً تحویل موزه و سرایدارخانه کاخ گلستان شد (همان: ۳۵۷).

این اقدامات و تحقیقات درحالی انجام می‌شد که در برخی مواقع به‌علت موانع و مشکلات فزاینده، اداره محاسبات از اصلاح و پیشرفت کارها ناامید می‌شد. بدین سبب اداره محاسبات به‌ناچار گزارش‌های متعددی درباره مشکلات موجود، به وزارت مالیه ارسال می‌کرد (اسناد روحانیت و مجلس، ۱۳۷۵، ۲: ۱۴۳ و ۱۴۴). با وجود تلاش‌های این اداره و کمک‌های اندک وزارت دربار در ابتدای تأسیس اداره محاسبات، در ۱۳۲۷ق/۱۹۰۹م، مرآت‌الممالک، رئیس اداره محاسبات بیوتات، در سال ۱۳۳۶ق/۱۹۱۸م در گزارشش به وزارت مالیه نوشت که وزارت مالیه و دربار سالانه سی هزار تومان برای حفظ اموال پرداخت می‌کنند؛ اما اموال همچنان بدون توجه باقی مانده‌اند (ساکما، ۲۰۰۷: ۱۲۶).

آن‌گونه که از گزارش‌های مرآت‌الممالک به‌دست می‌آید، وزارت دربار فقط در «بازدید و انتظام بیوتات [...] همراه و مهیا شد [...] و نسبت] به هرکس از صاحب جمعان سابق [که] هرچه را غارت و سرقت کرده بودند، [...] در استرداد و استیفای حق و مال دولت شانه خالی کرده، می‌گفت از این به بعد هرچه را اداره محاسبات بیوتات منظم و بازدید کرده [و] تحویل کند، مسئول خواهیم بود» (اسناد روحانیت و مجلس، ۱۳۷۵، ۲: ۱۴۷). این بدان معنی بود

که وزارت دربار در قبال اموال غارت‌شده توسط صاحب‌جمعان سابق، مسئولیتی را بر عهده نمی‌گرفت. مرآت‌الممالک مساعدت‌های اولیه وزارت دربار، در ابتدای کار اداره محاسبات، برای بازدید از بخش‌های بیوتات را گزارش کرده بود؛ اما این نکته را نیز اشاره می‌کند که به تدریج «وزارت دربار در امرار وقت و ملاحظه خود افزوده، کم‌کم اقدام و عملیات، رو به تعطیل و تعویق گذارده و هر قدر عدم توجه بیشتر شد، هرج و مرج اوضاع بالاتر گرفت تا بالاخره بی‌نظمی به آن قسمت بیوتات و کارهای منظم‌شده هم سرایت کرد» (همان: ۱۴۸). این نابسامانی به اداره محاسبات بیوتات نیز رخنه کرده بود؛ زیرا باتوجه به تعویق کارها از سوی دربار، کارکنان اداره محاسبات نیز هر روز بیکار بودند و دفاتر و صورت‌ها نیز نامنظم شده بودند (ساکما، ۶۵۹۵-۲۴۰)؛ بنابراین، مرآت‌الممالک دربار را مسئول این بی‌نظمی‌ها می‌دانست و بیان داشت: «مسئلاً در هیچ دوره و عصری، اثاثه و اموال دولت بحالت فنا و فساد امروز از هر حیث نبوده و اینطور بیصاحبی ندیده که همه را وزارت‌تجلیله دربار دانسته و عامداً به این روز کشانیده است» (ساکما، ۷۱۲۶-۲۴۰۰۰). مرآت‌الممالک پس از ۱۳ سال از تأسیس اداره محاسبات بیوتات، یعنی در ۱۳۴۰ق/۱۹۲۲م، همچنان از نابسامانی اموال دولتی شکایت داشت: «هرج و مرج امروزه از دوره غارتگریهای سابق هم وخیم‌تر و شرم‌آورتر است» (اسناد روحانیت و مجلس، ۱۳۷۵، ۲: ۱۴۴). مرآت‌الممالک علت اصلی این وضعیت را در بی‌مسئولیتی صاحب‌جمعان درباری نسبت به اموال دولتی می‌دانست و تأکید می‌کرد که آنها بر اساس مقاصد شخصی خود، اموال را به‌گونه‌ای غارت می‌کنند که در هیچ‌جای دنیا چنین وضعیت نابسامانی دیده نمی‌شود (همان: ۱۴۸). باوجود این مشکلات، مرآت‌الممالک مدعی بود که توانسته است در طول خدمت خود در اداره محاسبات بیش از یک‌کروار تومان از اموال مسروقه را تحویل بیوتات درباری کند (همان: ۱۴۷)؛ با این همه اذعان داشت: «[تنها چیزی] که عاید بنده شده است، این است که مشتی دشمن خونی برای خود فراهم آورده و [...] مورد تحمیق و تمسخر واقع شده و از هر ثبات و رونویسی هم قهراً عقب افتاده‌ام» (همان). وی درجایی دیگر بیان می‌داشت این دشمنی‌ها تا حدی پیش رفته بود که پیوسته او را تهدید به قتل می‌کردند (همان: ۱۴۹).

مرآت‌الممالک در یکی از گزارش‌های خود به وزارت مالیه، به بیان مفصّلی از وضعیت بخش‌های مختلف بیوتات پرداخت. این گزارش مدتی بعد توسط ارباب‌کیخسروشاهرخ،

نماینده مجلس شورای ملی، در سال ۱۳۴۰ ق برابر با ۱۳۰۰ ش/۱۹۲۲ م در مجلس ارائه شد. بر اساس این گزارش می‌توان تصویر روشن‌تری از وضعیت بخش‌های بیوتات، اموال آن، اقدامات صورت گرفته و مشکلات موجود را به دست آورد. در این بخش از پژوهش سعی خواهد شد ضمن بررسی مختصر پیشینه بخش‌های مختلف بیوتات، اقدامات صورت گرفته در حوزه رسیدگی به اموال دولتی بررسی شود.

وضعیت سرایدارخانه

در دوره قاجار به مسئولان و مستحفظان ساختمان‌های دربار و اثاثیه آن، سرایدار می‌گفتند (مستوفی، ۱۳۸۶، ۱: ۵۹۱). طبق گزارش‌های موجود، محقق السلطنه مسئولیت سرایدارباشی را در زمان محمدعلی‌شاه داشته بود که وی با همکاری برخی امنای دربار دست به سرقت‌هایی زده بودند (اسناد روحانیت و مجلس، ۱۳۷۵، ۲: ۱۴۸). در زمان بازرسی وزارت دربار و اداره محاسبات از سرقت‌های لسان‌الدوله از کتابخانه سلطنتی، سرایدارخانه موقتاً تحویل محمدابراهیم‌خان، نایب سرایدارخانه، شد و پس از آن از سوی وزارت دربار به اعتمادالسلطنه سپرده شد. این در حالی بود که تا سال ۱۳۴۰ ق/۱۹۲۲ م، برخی مخازن و انبارها مانند موزه همچنان در ضبط و مهر سارقین سابق باقی مانده بود (همان: ۱۴۸ و ۱۴۹) و حتی «همه آنها از قید حبس و بند نجات یافته، آزاد و راحت به هر در و مأمنی که گاه و بیگاه می‌خواستند، مجاز از رفت و آمد بودند» (همان: ۱۴۹)؛ تا جایی که «سارقین اموال دولت [...] از دربار، موظف و شهریه‌خور شده و بعضی هنوز سمت استخدام دارند [...] چنان که بعدها مسروقات ذخیره شده را تدریجاً به فروش رسانیدند [...]» (همان: ۱۴۹).

در جریان نابسامانی‌های پیش‌آمده، بواسطه آنکه نظام‌نامه‌ها و دستورالعمل‌های اداره محاسبات بیوتات جدید و تازه بود، در عمل، امکان اجرای کامل و دقیق آنها وجود نداشت؛ چنان‌که این نکته درباره سرایدارخانه نیز صدق می‌کرد. بر اساس گزارش سال ۱۳۳۱ ق/۱۹۱۳ م، اداره محاسبات بیوتات باتوجه به وسعت نابسامانی‌ها و امکان از دست رفتن اموال، به‌ناچار انبارهای کاخ گلستان را لاک و مهر کرد. در این انبارها اموال به‌طور نامنظم، ثبت‌شده و ثبت‌نشده زیرنظر صاحب‌جمعان غیرمتعهد قرار داشت (ساکما، ۲۶۱۳۸-۲۴۰). از آنجا که سر و سامان‌دادن به اموال، مطابق میل برخی از امنای اموال نبود و مانعی برای

سودجویی آنها به حساب می‌آمد، در مقابل این اقدامات مقاومت می‌کردند؛ مثلاً، اعتمادالسلطنه، رئیس سرایدارخانه، بدون هماهنگی با اداره محاسبات بیوتات، در انبار محل نگهداری لوله‌های چودنی را شکسته بود (همان). رئیس اداره محاسبات معتقد بود با این وضعیت اگر رسیدگی وزارت مالیه نبود، «عشر از اموال دولت هم باقی نمی‌ماند» (همان). مرآت‌الممالک با ناراحتی بسیار از اشکال تراشی امنای اموال دربار، از روی ناچاری در نامه‌اش به وزیر مالیه نوشت: «اگر مؤاخذه و جدیتی بعمل نیاید، مسلماً در آتیه، موجب اشکالات [...] شده و سخته در پیشرفت مقاصد و خدمات این اداره وارد خواهد کرد» (همان). در همین راستا، وی معتقد بود رئیس سرایدارخانه منتظر است که این اداره از جدیتش در این مسئله بکاهد تا مالکیت مایملک اموال بی‌ثبات را به‌دست آورد (ساکما، ۶۵۹۵-۲۴۰). از طرفی انبارکردن طولانی‌مدت اموال، ترفند سارقین بود؛ به‌گونه‌ای که اگر شیئی مطالبه می‌شد، صاحب‌جمعان و سارقین فوراً آن را بیرون می‌آوردند؛ ولی اگر قدیمی شد و کسی شیئی را به خاطر نمی‌آورد، آن را به تدریج از انبار خارج می‌کردند و برای خود برمی‌داشتند. این‌گونه ترفندها از دوره مظفرالدین‌شاه آغاز شده بود (اسناد روحانیت و مجلس، ۱۳۷۵، ۲: ۱۵۱ و ۱۵۲)؛ بنابراین، اداره محاسبات با نظارت وزارت دربار به‌منظور جلوگیری از سرقت اموال چاره‌ای جز مهر و موم و توقیف در انبارها نداشت؛ در حالی که برخی اموال همچنان در فضای نامناسب و مرطوب قرار داشتند (ساکما، ۶۵۹۵-۲۴۰).

وضعیت صندوقخانه

صندوقخانه و رخت‌دارخانه تحت ریاست صندوقدارباشی بود و وظیفه تهیه خلعت، نشان‌های دولتی و رسیدگی به امور خصوصی شاه و تهیه البسه او را بر عهده داشت (مستوفی، ۱۳۸۶، ۱: ۵۹۳). صندوقخانه که خزانه جنسی شاه بود، لباس و جواهراتی را که شاه از آنها به‌صورت روزمره استفاده می‌کرد، پس از ثبت دقیق اموال تحویل می‌گرفت (همان). در گزارشی به سال ۱۳۳۵ق/۱۹۱۷م، تصریح می‌شود که جواهرات و اشیاء صندوقخانه منظم شده و اسناد مربوط به آنها توسط عدل‌السلطنه، رئیس صندوقخانه، به اداره محاسبات تحویل داده شده است؛ اما ظاهراً بعضی پارچه‌ها و ملبوسات و شال‌های ترمه هنوز در بی‌نظمی بوده‌اند (ساکما، ۶۵۹۵-۲۴۰) و حتی تا سال ۱۳۴۰ق/۱۹۲۲م بدون رسیدگی و سند مانده بودند (اسناد روحانیت و مجلس، ۱۳۷۵، ۲: ۱۵۵).

وضعیت اسناد و مدارک دولتی

در دوره ناصرالدین‌شاه، با توجه به علاقه وی در سامان‌دهی اسناد و مدارک، در یکی از بخش‌های بیوتات، محلی برای جمع‌آوری و نگهداری اسناد اختصاص یافت. وی دستور داد تا بسیاری از اسناد به‌جای‌مانده در دربار، در آلبوم‌های مخصوصی مجلد و به شیوه‌ای نوین آرشیو شود. از این رو می‌توان وی را یکی از بنیادگذاران رسمی آرشیو اسناد در ایران نامید (آل‌داوود، ۱۳۹۰: ۲۵). وقایع و اتفاقات پس از ناصرالدین‌شاه و آشفتگی اوضاع بیوتات، وضعیت اسناد و مدارک دولتی را نیز از انتظام خارج کرد. از این دوران به بعد، اسناد دولتی در چندین مرحله جابه‌جا شده و به‌دنبال آن دچار پراکندگی شدند. در دوره مظفرالدین‌شاه و صدارت میرزا نصرالله‌خان مشیرالدوله، تعدادی از عهدنامه‌ها و قباله‌جات و اسناد مختلف دولتی، در خزانه و صندوقخانه نگهداری می‌شد. در دوره احمدشاه، با تلاش مرآت‌الممالک و همکاری مؤتمن‌الملک، بیشتر این اسناد از خزانه و صندوقخانه به بالاخانه‌ای در کاخ ایبض منتقل و از آنها صورت‌برداری شد. بعد از آن نیز سعی شد سایر اسناد و مدارک موجود در سایر بخش‌های بیوتات نظیر کتابخانه اندرون و آبدارخانه در همان مکان که اتاق اسناد دولتی نامگذاری شده بود، جمع‌آوری شود (اسناد روحانیت و مجلس، ۱۳۷۵، ۲: ۱۵۳). در یکی از این اقدامات، صندوق‌هایی از اسناد در عمارت بلور یافت شد که سر به مهر معتمد حضور، پیشخدمت محمدعلی‌شاه بود. این اسناد با نظارت بیان‌السلطنه، رئیس کل بیوتات سلطنتی، مرآت‌الممالک و اعتمادالسلطنه بررسی شدند (ساکما، ۲۶۱۳۸-۲۴۰).

کار صورت‌برداری از اسناد موجود در کاخ ایبض در حال اتمام بود که مسئله آتش‌گرفتن وزارت داخله و سرایت آن به قصر روی داد (اسناد روحانیت و مجلس، ۱۳۷۵، ۲: ۱۵۳). به‌دنبال این رویداد، برخی اسناد به صندوقخانه منتقل شدند؛ اما تعداد زیادی از این اسناد در میان دو قفسه در قصر ایبض باقی ماند که بعدها به‌دلیل نیاز به آن اتاق، مابقی اسناد از کاخ ایبض به «یک دخمه کثیف پر از موش و خاک ریخته» (همان؛ لوح فشرده صورت مذاکرات مجلس شورای ملی، دوره چهارم، جلسه ۷۲) در جنب اتاق الماس انتقال یافت. این نیز وضعیت دردناکی بود که برای پراهمیت‌ترین بخش از اسناد سیاسی کشور رخ داده بود. اسنادی که در مهم‌ترین بخش از روابط داخلی و خارجی این دوره محل رجوع و استناد بود.

وضعیت خزانه اندرون و جواهرات سلطنتی

در دوره قاجار بخش عمده جواهرات سلطنتی که استفاده نمی‌شد، در خزانه‌ای در اندرون شاهی نگهداری می‌شد. آن بخش از جواهرات و مرصع‌آلات که در زندگی روزمره پادشاه استفاده می‌شد، به صاحب‌جمعان بیوتات همراه با صورت‌های دقیق تحویل داده می‌شد. در دوره ناصری با احداث عمارت جدید خوابگاه، زیرزمین آنجا تحت‌عنوان «خزانه اندرون» محل نگهداری جواهرات سلطنتی و نقدینه‌های شاه شد. این مکان به دلیل قرارگرفتن در مرکز حرم‌سرا از موقعیت امنیتی بسیار بالایی برای نگهداری جواهرات سلطنتی برخوردار بود.

با پیروزی مشروطه‌خواهان، تمام جواهرات بخش‌های مختلف دربار از جمله صندوقخانه، قهوه‌خانه، آبدارخانه و زین‌خانه، پس از صورت‌برداری و تطبیق با صورت‌های قبلی، ثبت و تحویل خزانه اندرون شد. پس از آن، بخشی از جواهرات برای استفاده احمدشاه تحویل عدل‌السلطنه، صندوقدارباشی، شد. جواهرات به لحاظ اموالی ثبت و ضبط صحیحی داشتند؛ اما فضای نگهداری آنها بواسطه وجود رطوبت بالا وضعیت مطلوبی نداشت (ساکما، ۲۴۰۰۷۱۲۶). این نظم و ترتیب تا سال ۱۳۳۲ق/۱۹۱۴م که مقداری از جواهرات را برای تاج‌گذاری شاه از خزانه خارج کردند، برقرار بود (همان)؛ ولی پس از عودت‌دادن جواهرات به خزانه، این جواهرات در محل‌های اولیه خود قرار نگرفتند و نظم و ترتیب ایجادشده بر هم خورد. پس از آن، به مرور مقداری از جواهرات برای استفاده شاه از خزانه خارج شد؛ در حالی که شاه دستخطی بابت دریافت این جواهرات به مسئولان مربوط تحویل نداده بود (اسناد روحانیت و مجلس، ۱۳۷۵، ۲: ۱۵۴). بعد از بازگشت شاه از یکی از سفرهای فرنگ‌اش، بخش زیادی از جواهرات را به عدل‌السلطنه تحویل داد؛ اما بخش دیگری مانند تسبیح‌های مروارید؛ انگشترهای تخمه الماس، تخمه زمره، تخمه لعل، تخمه یاقوت، تخمه فیروزه؛ سنجاق تخمه الماس؛ ساعت طلای مرصع؛ قوطی طلا و نشانهای مرصع دولت روس و بخارا تا سال ۱۳۴۰ق/۱۹۲۲م تحویل نشد و در نزد شاه باقی ماند (همان).

مشکل دیگر این بود که در طول سال‌های ۱۳۳۲ تا ۱۳۴۰ق/۱۹۱۴ تا ۱۹۲۲م بدون اطلاع اداره محاسبات، سنگ‌های برخی از جواهرات را پیاده کرده بودند و همچنین بعضی

پایه‌های این جواهرات نیز در صندوقخانه شکسته و به قطعات تازه‌ای تبدیل شده بودند؛ مثلاً انگشتر را به سنجاق یا سنجاق را به انگشتر تبدیل کرده بودند (ساکما، ۲۴۰۰۷۱۲۶)؛ در حالی که روند اداری سابق تبدیل یا تغییر جواهرات این‌گونه بود که ابتدا دستخط شاه برای مستوفی فرستاده می‌شد و مستوفی پس از بررسی، آن را در اسناد ثبت می‌کرد (همان). بدون شک همین بی‌نظمی‌ها گاهی منجر به اشتباهاتی در توصیف و ثبت جواهرات می‌شد (همان).

بقیه جواهرات باقی‌مانده نزد احمدشاه در ۱۳۴۱ق/۱۹۲۳م با حضور برخی وزرا و بیان‌السلطنه تحویل عدل‌السلطنه شد که مشخصات و وزن جواهرات با صورت‌های ثبت‌شده مطابقت می‌کرد. تنها محل اختلاف در صورت‌ها، همان چند قطعه جواهری بود که چنانکه ذکر شد بدون اطلاع اداره محاسبات بیواتات تغییر شکل یافته بودند. بنابراین احمدشاه پیش از اینکه ایران را برای همیشه ترک کند، تمام جواهرات را تحویل داد (بیانی، ۱۳۴۸: ۱۲۶).

وضعیت خیام‌خانه

خیام‌خانه محل نگهداری چادرها و خیمه‌های سلطنتی و نفیس دربار قاجار بود. طبق گزارش‌های سال ۱۳۳۴ق/۱۹۱۶م چادرها وضعیت نامطلوبی داشتند بود و در معرض نابودی بودند و احتمال سرقت از اشیاء قیمتی چادرها نیز وجود داشت. (ساکما، ۶۵۹۵-۲۴۰). با وجود اینکه بیان‌السلطنه به مسئولان چادرخانه تاکید کرده بود که برای باز و بسته کردن چادرها آماده باشند، کسی برای انجام این امور حضور نمی‌یافت و مسئول اداره محاسبات گزارش کرد که با این وضعیت، همه این چادرهای نفیس در معرض نابودی هستند (همان). در گزارش ۱۳۳۵ق/۱۹۱۷م درباره خیام‌خانه تاکید شده بود که با وجود غارت‌هایی که از خیام‌خانه در دوره محمدعلی‌شاه و صاحب‌جمع خیام‌خانه (نیرالسلطان) انجام شده بود، باز بیش از دویست‌وپنجاه تخته قالی‌های بزرگ اعلی و اموالی به ارزش سیصد هزار تومان تحویل صاحب‌جمع بعدی شد؛ اما طبق گزارش مذکور، از آن سیصد هزار تومان اموال، بیش از پنج هزار تومان هم باقی نمانده بود. یکی از شاخص‌ترین اموال مسروقه خیام‌خانه «چادر زری فتح‌علیشاهی» بود. این گزارش‌های پیاپی در موقعیتی ارسال می‌شد که از طرف وزارت دربار اقدامی برای اصلاح امور انجام نمی‌شد و وزارت مالیه نیز توجهی به گزارش‌های اداره محاسبات بیواتات نمی‌کرد (همان).

وضعیت اسلحه‌خانه

اسلحه‌خانه یکی از مهم‌ترین ادارات و بیوتات سلطنتی محسوب می‌شد و در زمانی که شاه در وضعیت جنگی قرار داشت می‌بایست برای قشون خود سلاح آماده می‌کرد. در دوران آرامش و صلح نیز اسلحه‌خانه وظیفه اصلاح و نو کردن سلاح‌های قدیمی و کهنه را داشت. این محل همچنین محل نگهداری اسلحه‌های شکاری شاه بود و در زمان‌هایی که شاه قصد شکار داشت، اسلحه‌دارباشی، سلاح شاه را آماده می‌کرد. در دوره ناصری در سال ۱۲۷۰ق/۱۸۵۲م، با اقدام شاه برای جمع‌آوری جنگ‌افزارهای تاریخی، اسلحه‌خانه با سلاح‌های متعددی مزین شد و موزه‌ای از سلاح‌های قدیمی و جدید بر دیوار آن قرار گرفت (اعتمادالسلطنه، ۱۳۶۷، ۳: ۱۷۶۰؛ مستوفی، ۱۳۸۶، ۱: ۵۹۶ و ۵۹۷). در ادامه، ناصرالدین‌شاه پس از بازگشت از سفر اول خود از اروپا در سال ۱۲۹۰ق/۱۸۷۲م، دستور ساخت موزه‌ای جدید به سبک موزه‌های اروپایی را داد (مستوفی، ۱۳۸۶، ۱: ۱۲۳) که در این موزه نیز سلاح‌های شاهان صفوی و قاجاری قرار داشت (کرزن، ۱۳۸۰، ۱: ۴۱۷). بیشتر سلاح‌های نفیس به موزه منتقل شده بودند؛ اما همچنان بخش زیادی از «تفنگ‌ها» و اسلحه‌دستی سلاطین ایران اعم از اهدایی و یا ایتیاعی [که] از جنس تفنگ و اسلحه غالبی بازاری نبوده و محققاً دارای مزیت و امتیازاتی بوده‌اند،» (ساکما، ۳۰۳۱۵-۲۴۰) در اسلحه‌خانه نگهداری می‌شد.

صاحب‌جمع اسلحه‌خانه همچنان از زمان مظفرالدین‌شاه تا سال ۱۳۴۰ق/۱۹۲۲م، بر مسئولیت خود باقی مانده بود. این تصدی طولانی‌مدت و فقدان دستگاه‌های نظارتی کارآمد موجب شده بود تا صاحب‌جمع اسلحه‌خانه از انجام همکاری با مسئولان اداره محاسبات امتناع ورزد (اسناد روحانیت و مجلس، ۱۳۷۵، ۴: ۱۵۵)؛ با این حال در سال ۱۳۳۲ق/۱۹۱۴م، اداره محاسبات توانست با کمک بیان‌السلطنه که فردی مجرب و آگاه نسبت به دارایی‌های اسلحه‌خانه بود، بخشی از اسلحه‌خانه را بازدید کند؛ اما این اقدام ناتمام ماند تا اینکه در سال ۱۳۳۸ق/۱۹۲۰م، مجدداً شروع به بازدید اسلحه‌خانه کردند. در این زمان بود که بیان‌السلطنه وفات یافت و دوباره مشکلات نمایان شد (ساکما، ۳۰۳۱۵-۲۴۰)؛ تا جایی که پنج‌هزار قبضه تفنگ و چندین هزار جعبه فشنگ که بیش از سیصد هزار تومان قیمت داشت، از اسلحه‌خانه

خارج شد و استرداد نشد (مُتَمَّا، ۱۶-۴-۲-۱۳۲-م؛ لوح فشرده صورت مذاکرات مجلس شورای ملی، دوره چهارم، جلسه ۷۲). این در حالی بود که «دولت برای یک قبضه تفنگ و یا یک دانه فشنگش» (اسناد روحانیت و مجلس، ۱۳۷۵، ۲: ۱۵۶) معطل بود.

وضعیت آبدارخانه و قهوه‌خانه

با بررسی اسناد مشخص می‌شود که در آبدارخانه سلطنتی اقلام ارزشمند و نفیس نیز نگهداری می‌شد (ساکما، ۸۱۳۶-۲۹۵). بواسطه وجود این‌گونه اقلام ارزشمند، در سال ۱۳۳۵ق/۱۹۱۷م، اداره محاسبات از اموال موجود در آبدارخانه بازدید و صورت‌برداری کرد و هرچه در آنجا لازم بود، تحویل موزه و صندوقخانه داد و سند و کتابچه دریافت کرد. از آنجا که اموال موجود در دست صاحب‌جمعیان زمان مظفرالدین‌شاه و محمدعلی‌شاه، دارای ثبت و صورت دقیقی نبودند، اداره محاسبات، فقط توانسته بود صورت اموال موجود را مشخص کند. به عبارت دیگر، وضعیت اموالی که ممکن بود در این مدت از دست رفته باشند، مشخص نبود (ساکما، ۶۵۹۵-۲۴۰).

در قهوه‌خانه دربار نیز ظروف مرصع موجود بود (مستوفی، ۱۳۸۴، ۱: ۴۰۴). با پیروزی مشروطه‌خواهان، همه مرصع‌آلات قهوه‌خانه، برای تحویل به خزانه اندرون، در ۱۳۲۷ق/۱۹۰۹م تحویل صندوق‌دار شاه شد؛ با وجود این، تا سال ۱۳۳۵ق/۱۹۱۷م، بقیه آثاری که مرصع و زرین و سیمین نبودند، بدون رسیدگی باقی مانده و سندی تحویل اداره محاسبات نشده بود (ساکما، ۶۵۹۵-۲۴۰).

وضعیت عکاسخانه، لابراتوار و کارخانه چراغ برق

با آشنایی پادشاهان قاجار با هنر عکاسی، مجموعه‌ای از آلبوم‌های عکاسی همراه با تجهیزات عکاسی و لوازم آن در دربار جمع‌آوری شد. با افزایش چشمگیر عکس‌های جمع‌آوری‌شده در دوره ناصرالدین‌شاه، مکانی با نام عکاسخانه برای نگهداری عکس‌ها اختصاص یافت (طهماسب‌پور، ۱۳۹۲: ۴۷ و ۴۸). رسیدگی به صورت اموال عکاسخانه و صورت‌برداری از آلبوم‌های نفیس سلطنتی نیز جزو امور انجام نشده بود. طبق گزارش سال ۱۳۳۵ق/۱۹۱۷م صورت‌های اموالی صاحب‌جمع آلبوم‌خانه (حشمت‌الممالک عکاسباشی)،

ناقص بود و توصیفات کاملی نداشت (ساکما، ۶۵۹۵-۲۴۰). از این رو ممکن بود در صورت‌ها یک دوربین بسیار قیمتی را که هزار تومان قیمت داشت، به صورت یک دوربین شصت تومانی ثبت کرده باشند. به همین علت، امکان وقوع هر خطایی محتمل می‌شد (همان).

این بی‌توجهی نسبت به تجهیزات گران‌قیمتی که از فرنگ برای توسعه علمی کشور خریداری شده بودند نیز صورت می‌گرفت؛ برای نمونه، دستگاه لابراتوار یا آزمایشگاه دواخانه‌ای که در زمان مظفرالدین‌شاه به مبلغ سی‌هزار تومان خریداری و به منظور فراگیری مهارت داروسازی به تهران و کاخ گلستان آورده شده بود، بدون استفاده در یکی از انبارها رها شده بود. این دستگاه به بهانه تشخیص رنگ جوهری استفاده‌شده در قالی‌ها، توسط خزانه‌داری وزارت مالیه برده شد؛ در صورتی که طبق گفته مرآت‌الممالک، این کار با وسایل و دواهای مخصوص دیگری هم امکان‌پذیر بود (همان).

در گزارشی دیگر، به هدر رفتن صد هزار تومان مال دولت در کارخانه چراغ برق و الکتریسیته اشاره شده است (همان). این بخش نیز که تحویل اعتمادالسلطنه، سرایدارباشی، بود تا سال ۱۳۳۵ق/۱۹۱۷م هنوز بازدید و رسیدگی نشده بود. به دنبال این بی‌توجهی‌ها، در جریان انتقال دستگاه‌های الکتریک چراغخانه، در باغ‌شاه، یوسف نامی که مسئول انتقال این دستگاه‌ها بود آنها را از هم جدا کرد و کنار خندق ریخت و مردم اطراف، آنها را به یغما بردند. طرفه آنجا بود که وی برای انتقال صحیح و سالم این دستگاه‌ها حدود صدوپنجاه تومان دریافت کرده بود (ساکما، ۷۱۲۶-۲۴۰). مرآت‌الممالک در اعتراض به این وضعیت در گزارشش بیان کرد: «بنده اطلاع دارم که برای خانه و امکنه کیها [چه کسانی] از آنها چه ساخته‌اند. اگر بنای تلف کردن بود، این دادن کرایه چه تحمل ضرر بود» (همان).

این وضعیت نابسامان، در گزارش‌های سال ۱۳۴۰ق/۱۹۲۲م نیز انعکاس داشت و بیان می‌کرد که افرادی «مشغول خوردکردن و فروختن اسباب» (مُتَمَّا، ۱۶/۱-۴-۲-۱۳۲-م؛ لوح فشرده صورت مذاکرات مجلس شورای ملی، دوره چهارم، جلسه ۷۲) کارخانه چراغ برق بودند.

وضعیت کتابخانه سلطنتی

کتابخانه سلطنتی در اوایل قرن سیزدهم هجری قمری توسط آقامحمدشاه و فتحعلی‌شاه ایجاد شد. در این زمان کتب ارزشمند متعددی به کتابخانه افزوده شد. این روند تا پایان دوره ناصرالدین‌شاه ادامه داشت. این کتابخانه باتوجه به علاقه ناصرالدین‌شاه به کتاب و نظارت مستقیم وی بر کتابخانه، رونق بیشتری یافت (آتابای، ۲۵۳۵، ۲: ۵-۸). پس از ناصرالدین‌شاه، کتابخانه دچار بی‌نظمی و بی‌توجهی فزاینده‌ای شد؛ به‌گونه‌ای که برخی کتب نفیس به سرقت رفت؛ برای نمونه سیزده تا نوزده جلد کتاب نفیس از این کتابخانه، توسط آرشاک نامی، تبعه عثمانی، در نیویورک به قیمت دویست و چهل هزار دلار معادل سیصد هزار تومان فروخته شد. کتابخانه نیز به علت فروخته شدن و مفقود شدن این کتب از دولت آمریکا تقاضای یازده میلیون دلار غرامت کرد (مُتَمَّا، ۱۶-۴-۲-۱۳۲-م؛ لوح فشرده صورت مذاکرات مجلس شورای ملی، دوره چهارم، جلسه ۷۲)؛ اما با همه تلاش‌هایی که برای توقیف اموال آرشاک در خارج از کشور انجام گرفت، نتیجه‌ای برای به‌دست آوردن کتاب‌های مفقود به دست نیامد (اسنادی از تاراج کتابخانه سلطنتی، ۱۳۹۰: ۲۹۱ و ۲۹۲ و ۲۹۹ و ۳۰۰).

باتوجه به اتفاقات ناخوشایندی که در این سال‌ها در کتابخانه سلطنتی رخ داده بود، تحقیقات برای رسیدگی به وضعیت اسفناک کتابخانه آغاز شد. در سال ۱۳۳۳ق/۱۹۱۵م، بر اساس بازجویی‌های انجام شده توسط میرزامهدی مستنطق، میرزااعلی‌خان لسان‌الدوله، کتابدار سلطنتی، به جرم سرقت از کتابخانه دستگیر شد. باتوجه به کشف شواهد و کتاب‌های نفیس در منزل وی و تطبیق آنها با ثبت دفاتر دولتی، جرم وی محرز شد. افزون بر آن، اقرار او و همدستانش درباره فروش کتاب‌ها و همچنین پیداشدن دفاتری مربوط به فروش این کتب، حقیقت را آشکارتر کرد. وی با دستگیری برخی از مسئولان درباری حدود سه یا چهار کرور از کتب و سایر اشیای نفیس کتابخانه دولتی را به سرقت بردند و در تهران و اروپا به فروش رساندند (اسنادی از تاراج کتابخانه سلطنتی، ۱۳۹۰: ۲۵۳).

برای سامان‌دهی کتابخانه سلطنتی نیز تمام کتب مسروقه به‌دست آمده همراه با کتب موجود در سایر بخش‌های بیوتات، به‌ویژه کتابخانه اندرون، با توصیف و توضیحات کامل تحویل رئیس کتابخانه شد و سند آنها نیز تحویل اداره محاسبات شد. بررسی و تنظیم و مرتب کردن کتابخانه در ۱۳۳۵ق/۱۹۱۷م به اتمام رسید (ساکما، ۶۵۹۵-۲۴۰).

وضعیت زین خانه و کشیک خانه

زین خانه شاهی محل نگهداری زین و یراق‌های اسب‌های دربار بود. بخشی از این زین و یراق‌های مورد استفاده شاه، زرین و جواهرنشان بودند (مستوفی، ۱۳۸۶، ۱: ۶۰۶). در طول دوره قاجار، همه زین و یراق‌های زین خانه تحویل صاحب جمع زین خانه شد و سند تحویل گرفته می‌شد (ساکما، ۲۳۹۰۹-۲۹۶). با پیروزی مشروطه خواهان در سال ۱۳۲۷ق/۱۹۰۹م، زین و یراق‌های جواهرنشان به خزانه اندرون منتقل شدند و تنها زین و یراق‌های ساده‌تر در زین خانه باقی ماندند. طبق گزارش سال ۱۳۳۵ق/۱۹۱۷م، وزارت دربار ماهیانه پانصد تومان به کارکنان اداره محاسبات می‌پرداخت تا این اداره، بخش زین خانه را بررسی کند؛ اما هیچ سند یا کتابچه‌ای برای اموال موجود در زین خانه نزد صاحب جمعان آنجا نبود و رسیدگی به اموال آنجا به‌کندی پیش می‌رفت (ساکما، ۶۵۹۵-۲۴۰).

وضعیت کشیک خانه که در آن، محافظان شاه همراه با لوازم و تجهیزات نظامی قرار داشتند (مستوفی، ۱۳۸۶، ۱: ۵۹۵ و ۵۹۶)، در موقعیت مطلوب‌تری قرار داشت؛ زیرا بر اساس گزارش‌ها، این بخش از بیوتات در ۱۳۳۵ق/۱۹۱۷م بازدید شد و ضمن دریافت سند، اموال آنجا تحویل کشیکچی‌باشی شد (ساکما، ۶۵۹۵-۲۴۰).

نتیجه

پس از پایان استبداد صغیر و استقرار مجدد مشروطه، بواسطه دخل و تصرفاتی که در دوران مظفرالدین شاه و محمدعلی شاه در اموال دولتی و سلطنتی انجام گرفته بود، لزوم رسیدگی به این اموال بیش از پیش ضروری بود؛ بنابراین مشروطه خواهان کمیسیون‌هایی را برای رسیدگی به اموال دولتی تشکیل دادند و با تصویب مجلس شورای ملی، اداره محاسبات بیوتات به ریاست مرآت‌الممالک در سال ۱۳۲۷ق/۱۹۰۹م به‌عنوان بازوی نظارتی مجلس برای نظارت بر اموال دولتی و سلطنتی ایجاد شد. این اداره به دنبال بررسی اموال دربار و بیوتات، توانست بخش‌هایی از دربار را بازدید و صورت‌هایی از اشیاء را تهیه کند. کارکنان این اداره با تطبیق صورت‌های قدیمی و جدید و با حمایت‌های اولیه دربار، تا حدی توانستند بعضی اشیائی را که از بین رفته یا به سرقت رفته بودند، شناسایی کنند و برخی از

اموال مسروقه را نیز توانستند به دربار بازگردانند؛ با این حال برخی سارقین همچنان آزاد و بعضی اموال نیز از بین رفته بودند. روند بررسی اموال بیوتات به تدریج با موانعی مواجه و مشکلات زیادی برای اداره محاسبات ایجاد شد؛ اما مرآت‌الممالک و اداره محاسبات پیگیر بررسی اموال بیوتات دولتی بودند و به‌طور مداوم از بازدهیها و تحقیقات خود، برای وزارت مالیه گزارش تهیه می‌کردند. ارباب کیخسروشاهرخ، یکی از نمایندگان پیگیر در موضوع حفظ اموال دولتی نیز بخشی از این گزارش‌ها را در مجلس قرائت کرد.

باتوجه به موانع موجود در پیشبرد اقدامات اداره محاسبات بیوتات، کارکنان این اداره سعی می‌کردند به روش‌های مختلف مانع از دست‌رفتن اموال دولتی شوند؛ برای نمونه هنگامی که امنای درباری مانع از صورت‌برداری دقیق اموال می‌شدند یا از انجام همکاری امتناع می‌ورزیدند، مسئولان اداره محاسبات به‌ناچار مجبور به مهر و موم کردن انبارها می‌شدند که این اقدام موجب حفظ اموال می‌شد؛ ولی باعث می‌شد که اموال در شرایط نامساعدی نگهداری شوند. وضعیت اموال دولتی طوری بود که رئیس اداره محاسبات بیوتات، مرآت‌الممالک، همچنان در سال ۱۳۴۰ق/۱۹۲۲م، یعنی پس از ۱۳ سال از تأسیس اداره محاسبات بیوتات، از حالت نامناسب اموال موجود می‌نالید.

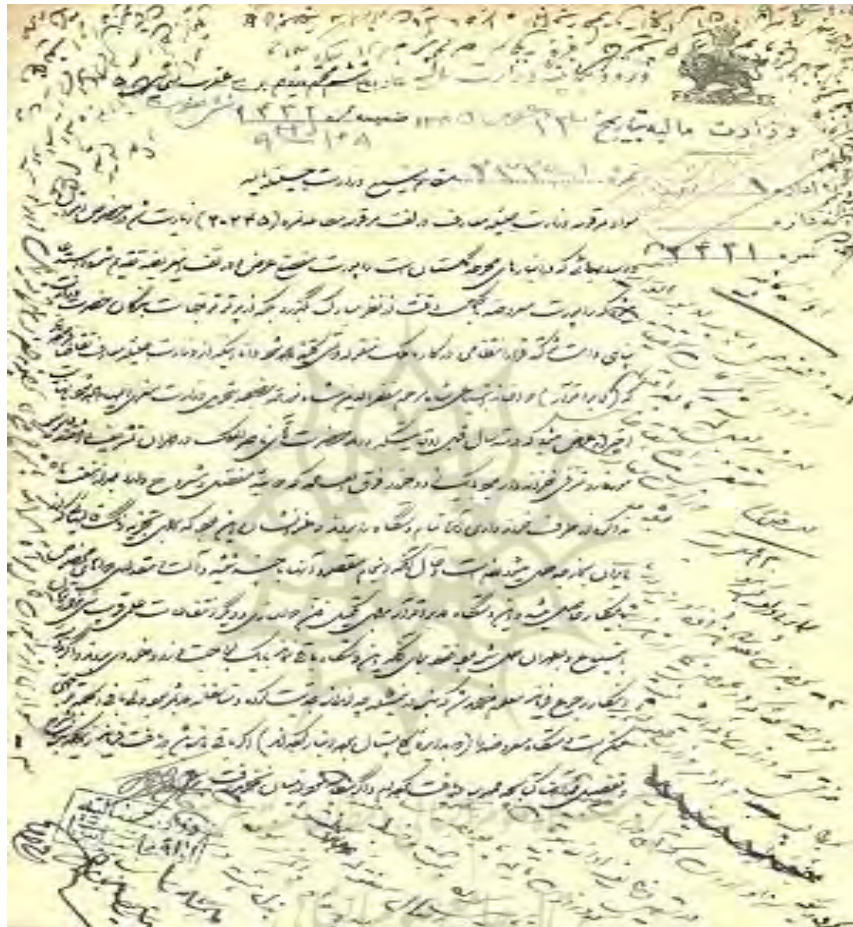
بر اساس اسناد موجود، از میان بخش‌های مختلف بیوتات، وضعیت جواهرات خزانه اندرون و صندوقخانه مطلوب‌تر بود. کتابخانه سلطنتی نیز بعد از آن حجمه‌های واردشده، مرتب شد؛ اما بخش‌های سرایدارخانه، عکاسخانه، خیام‌خانه، اسلحه‌خانه و کارخانه چراغ برق در وضعیت نامناسبی بودند که از میان آنها اتاق اسناد دولتی و خیام‌خانه و اسلحه‌خانه وضعیت آشفته و اسفناکی داشتند.

واپسین کلام اینکه نه در دولت اراده جدی برای حفظ اموال دولتی وجود داشت نه در وزارت دربار. سارقین و سودجویان نیز از این وضعیت آشفته سوء استفاده می‌کردند و با بهانه‌جویی و اشکال‌تراشی در کارها، مانع از آن می‌شدند که فهرست دقیق و منظمی از اموال دولتی تهیه شود؛ زیرا تحقق چنین امری را مانعی جدی برای ادامه سوء استفاده‌های خود می‌دانستند. در این میان، گزارش‌ها و هشدارهای افراد دلسوزی نظیر مرآت‌الممالک که به‌طور مستمر، نقایص و مشکلات موجود در بیوتات و اموال دولتی را گزارش می‌کردند، راه

به جایی نمی‌برد. این بی‌نظمی که بستر را برای تعرض به اموال دولتی و ملی فراهم می‌کرد، همچنان ادامه داشت. با این همه، تلاش‌های مستمر اداره محاسبات بیوتات توانست تا حدود زیادی جلوی برخی از تعرضات به اموال دولتی را سد کند؛ به‌گونه‌ای که امروز، راهنمای اصلی محققان برای شناسایی و اطلاع از پیرامون برخی آثار ارزشمند ملی موجود در کشور، همین اسناد و صورت‌های ایجادشده توسط اداره محاسبات بیوتات است.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



وزارت مالیه

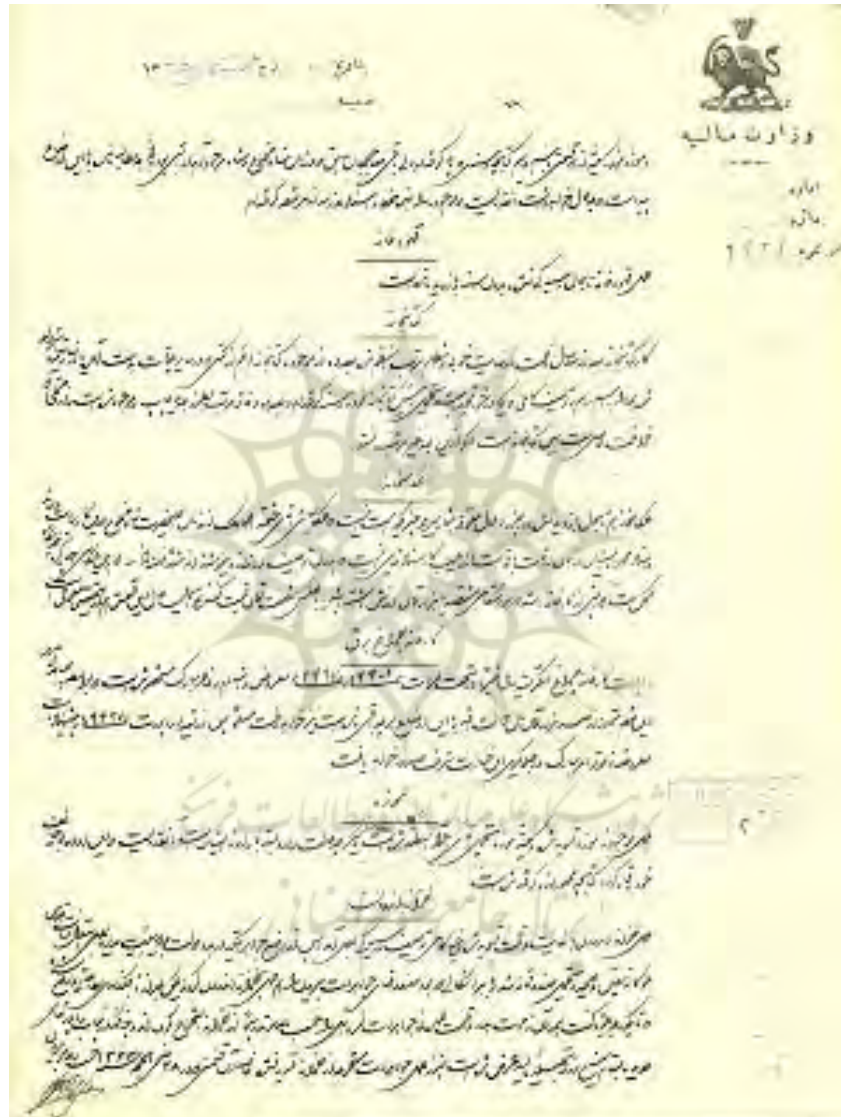
شماره ۲۵۰۰

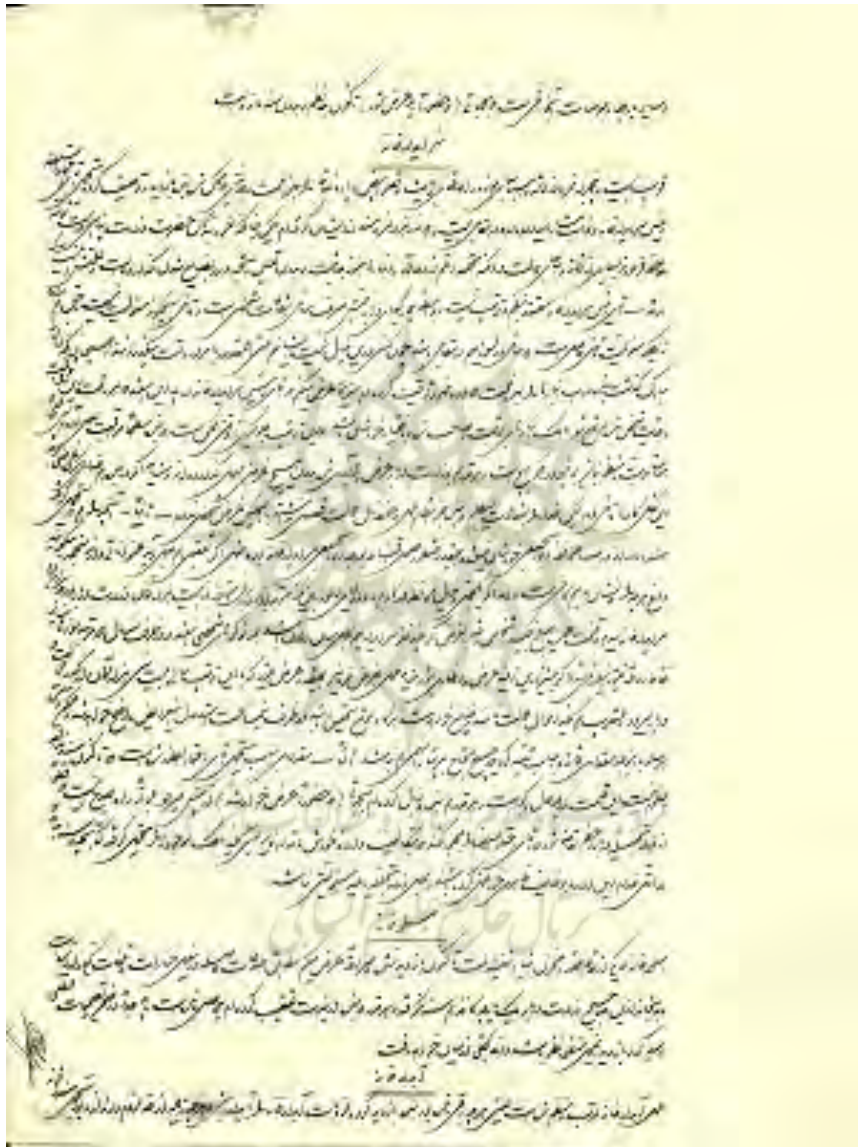
۱۳۳۵

۱۳۳۵

۱۳۳۵

تجدیدت بر این اساس در هر نقطه از شهر تهران در تمام قسمت های شهر از قبیل حصارهای تهران و حصارهای
دیگر که سابقا در این شهر واقع شده اند و در این شهر است که موقوفه دولتی در این شهر است
از جمله موقوفه ای که سابقا در این شهر است که در این شهر است که در این شهر است که در این شهر است
که در این شهر است که در این شهر است که در این شهر است که در این شهر است که در این شهر است
و در این شهر است که در این شهر است که در این شهر است که در این شهر است که در این شهر است
بعضی از این موقوفه ها در این شهر است که در این شهر است که در این شهر است که در این شهر است
اقتضا شده و بعضی از این موقوفه ها در این شهر است که در این شهر است که در این شهر است
باز این موقوفه ها در این شهر است که در این شهر است که در این شهر است که در این شهر است
در این شهر است که در این شهر است که در این شهر است که در این شهر است که در این شهر است
ایشان موقوفه در این شهر است که در این شهر است که در این شهر است که در این شهر است
که در این شهر است که در این شهر است که در این شهر است که در این شهر است که در این شهر است
ضمن این موقوفه ها در این شهر است که در این شهر است که در این شهر است که در این شهر است
تائید شده است که در این شهر است که در این شهر است که در این شهر است که در این شهر است
آنگاه که در این شهر است که در این شهر است که در این شهر است که در این شهر است که در این شهر است
هر قدر که در این شهر است که در این شهر است که در این شهر است که در این شهر است که در این شهر است
تا آنکه در این شهر است که در این شهر است که در این شهر است که در این شهر است که در این شهر است
که در این شهر است که در این شهر است که در این شهر است که در این شهر است که در این شهر است





منابع

اسناد

- اسناد سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران:
 ساکما، ۲۴۰۰۰۷۱۲۶.
 ساکما، ۲۴۰-۶۵۹۵.
 ساکما، ۲۴۰-۲۶۱۳۸.
 ساکما، ۲۴۰-۳۰۳۱۵.
 ساکما، ۲۹۵-۸۱۳۶.
 ساکما، ۲۹۶-۲۳۹۰۹.
- اسناد مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران:
 مٓما، ۱۶-۴-۲-۱۳۲-م.
 مٓما، ۱۶/۱-۴-۲-۱۳۲-م.
- اسنادی از تاراج کتابخانه سلطنتی (۱۳۹۰)، به تصحیح و پژوهش فاطمه قاضیها، تهران: سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران.
- اسناد روحانیت و مجلس (۱۳۷۵)، زیر نظر غلامرضا فدایی عراقی، به کوشش منصوره تدین‌پور، ۳جلدی، تهران: کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی.

کتاب‌ها

- آتابای، بدری (۲۵۳۵ شاهنشاهی)، فهرست دیوان‌های خطی کتابخانه سلطنتی و کتاب هزار و یک شب، ج ۲، بی‌جا: بی‌نا.
- آل داوود، سیدعلی (۱۳۹۰)، فهرست توصیفی آلبوم‌های بیوتات، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- آل داوود، علی و همکاران (۱۳۶۷)، دایره‌المعارف بزرگ اسلامی، ۲۳ جلدی، بی‌جا: مرکز دایره‌المعارف بزرگ اسلامی.
- ابتهاج، ابوالحسن (۱۳۷۱)، خاطرات، ۲جلدی، بی‌جا: علمی.
- اعتمادالسلطنه، محمدحسن خان (۱۳۶۷)، تاریخ منتظم ناصری، تصحیح محمداسماعیل رضوانی، ۳جلدی، تهران: دنیای کتاب.

- اعلم‌الدوله ثقفی، خلیل (۱۳۲۲): *مقالات گوناگون*، تهران: بی‌نا.
- بیانی، مهدی (۱۳۴۸)، *پانصد سال تاریخ جواهرات سلطنتی ایران*، تهران: بانک مرکزی ایران.
- خسروبیگی، هوشنگ (۱۳۸۸)، *سازمان اداری خوارزمشاهیان*، تهران: فرهنگستان زبان و ادب فارسی.
- دولت‌آبادی، یحیی (۱۳۷۱)، *حیات یحیی*، ۴ جلدی، تهران: عطار.
- ذکاء، یحیی (۱۳۴۹)، *تاریخچه ساختمان‌های ارگ سلطنتی تهران و راهنمای کاخ گلستان*، تهران: انجمن آثار ملی.
- رسولی، ندا (۱۳۹۴)، *موزه و موزه‌داری در ایران (به روایت اسناد)*، تهران: سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران.
- ستایش، محمود (۱۳۸۵)، *مشروطیت ایران*، تهران: ثالث.
- سفری، محمدعلی (۱۳۷۰)، *مشروطه سازان*، بی‌جا: علم.
- شعبانی، رضا (۱۳۸۹)، *تاریخ ایران در عصر افشاریه*، ۲ جلدی، تهران: سخن.
- طهماسب‌پور، محمدرضا (۱۳۹۲)، *ناصرالدین، شاه عکاس؛ پیرامون تاریخ عکاسی در ایران*، تهران: نشر تاریخ ایران.
- کرزن، جورج ناتانیل (۱۳۸۰)، *ایران و قضیه ایران*، ترجمه غلامعلی وحید مازندرانی، ۲ جلدی، تهران: علمی و فرهنگی.
- کرسین‌سن، آرتور (۱۳۶۸)، *ایران در زمان ساسانیان*، ترجمه رشید یاسمی، تهران: دنیای کتاب.
- کمپفر، انگلبرت (۱۳۵۰)، *در دربار شاهنشاه ایران*، ترجمه کیکاووس جهانداری، تهران: انجمن آثار ملی.
- *لوح مشروح مذاکرات مجلس شورای ملی و اسلامی*، نسخه دوم.
- مستوفی، عبدالله (۱۳۸۴)، *شرح زندگانی من: تاریخ اجتماعی و اداری دوره قاجاریه*، ۳ جلدی، تهران: زوار.
- مستوفی، عبدالله (۱۳۸۶)، *شرح زندگانی من: تاریخ اجتماعی و اداری دوره قاجاریه*، ۲ جلدی، تهران: هرمس.
- معیرالممالک، دوستعلی‌خان (۱۳۹۰)، *یادداشت‌هایی از زندگانی خصوصی ناصرالدین‌شاه*، تهران: نشر تاریخ ایران.

- نظام‌السلطنه مافی، حسین‌قلی‌خان (۱۳۶۲)، *خاطرات و اسناد نظام‌السلطنه مافی*، تصحیح معصومه مافی و منصوره اتحادیه و سیروس سعدونیان و حمید رام‌پیشه، ۳ جلدی، تهران: نشر تاریخ ایران.
- هدایت، رضاقلی‌خان (۱۳۸۰)، *تاریخ روضه‌الصفای ناصری*، تصحیح جمشید کیان‌فر، ج ۹، تهران: انتشارات اساطیر.

